اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض شد به اینکه وارد یک بحث دیگری بشویم و وارد بحث خود فهرستی که الان محل کلام ماست البته یکی دو تا نکته توضیحا عرض بکنم حالا توضیحات ما گاهی بر اصل مطلب مقدم است عرض شد به اینکه فهرستی را که الان علمای ما نوشتند یعنی مرحوم شیخ و مرحوم نجاشی این یک روش خاصی است حتی با این اهل سنت هم این ترتیب را ندارند یک مقدار از مطالب فهرستی ما در کتاب‌های اهل سنت هست نه برای ما یعنی خود آنها به روش فهرستی .**

**من یک وقتی تخمین می‌زدم این تهذیب الکمال که یازده جلد است این چاپی که من دارم یازده جلد است اگر بخواهیم مطالبی که جنبه‌های فهرستی دارد روی کتاب فلان حالا غیر از خودش غیر از راوی روی کتاب بحث کرده جدا بکنیم یک چیزی نصف یک جلد کمتر یک سوم مثلا یک چهارم .**

**یکی از حضار : آن فهرست اشبیلیه هم آمده**

**آیت الله مددی : اشبیلیه را ندیدم عبد خیر را دیدم این همان است دیگر ، بله برای اندلس است دارم من دارم فهرست را ، فهرست اشبیلیه اجازات است .**

**یکی از حضار : فهرست کتب به این معنا نیست .**

**آیت الله مددی : می‌گوید له کتب بعد می‌گوید . بله دارم من اینجاست ، خصوصا آخرش مثل اجازات بحار است .**

**یعنی بعبارة اخری ما در فهرست طریقمان به شخص است لکن به لحاظ کتابش اینها به خود شخص هستند به لحاظ مجموع یعنی می‌شود فهرست را دو جور حساب کرد یک دفعه طرق ما به خود اشخاص مثلا طرق ما به علامه و تالیفات علامه . یک دفعه نه طریقی را که ما داریم به علامه و بگوییم این کتب علامه را مثلا شاگردش از ایشان شنیده اجازه گرفته است . یعنی در باب فهرست یک اجازه‌ای هست طریقی هست به راوی و مولف کتاب یک طریقی هست به خود کتاب آن نکته‌ی فنی ، آن که در نکته‌ی فنی ما هست به خود کتاب ، ما اگر بخواهیم فهارسی را به علما اضافه کنیم اجازات زیاد است ، عرض کردیم این آقای جبوری رفیق ما و شما گفت من 20 تا کارتن اجازات تا الان جمع کردم نوشته بشود 300 – 400 جلد می‌شود ، 20 تا کارتن می‌گوید فقط من در اجازات ، اجازات زیاد است ، اجازات فهرست نیست نه .**

**عبد خیر خصوصا حالا اولش یک کمی شبیه همین تصورات ماست آخرش فقط اجازه است و اروی عن فلان و فلان همین طور فقط اجازات است .**

**یکی از حضار : اسم فهرست هم رویش گذاشتند .**

**آیت الله مددی : چرا بله ، دارم من آنجا پشت سر آقای رضائی کوچک نوشته است ، این یک چاپی است که از ایشان همین پشت سر ایشان است نوشته فهرست عبد خیر یا ابن خیر ، عبد خیر یک کسی دیگری است آقا فیروز است یکی از روات است عبد خیر آن که از امیرالمؤمنین نقل می‌کند حواسم بود ، حواس من جمع است . می‌گویم این پشت سر ایشان است . آخرهایش را نگاه کنید بدهید خدمت ایشان آخرهایش خیلی اجازات است این ابن خیر است فهرست ابن خیر من عبد خیر چند دفعه گفتم ؟ عبد خیر یک راوی عن امیرالمؤمنین است .**

**یکی از حضار : فهرست ما رواه عن شیوخه من الدوانین المصنفة فی ضروب العلم وانواع المعارف تالیف الشیخ الفقیه المقرئ المحدث المتقن ابوبکر محمد بن خیر بن عمر بن خلیفه الاموی الاشبیلی سنة 502**

**آیت الله مددی : الاُموی الاشبیلی**

**یکی از حضار : الاُموی الاشبیلی سنة 502 – 575**

**آیت الله مددی : این بعد از نجاشی و اینهاست ایشان معلوم می‌شود از بنی امیه است چون خود اندلس دست بنی امیه بوده ، معلوم می‌شود اصلا نژادا هم یعنی نسبا هم مثل ابن حزم ، ابن حزم هم اموی است اوائلش به اسماء کتب است اوائلش را نگاه بکنید باز بکنید مثلا صفحه‌ی 20 – 30 – 40 را باز بکنید**

**یکی از حضار : چون معلوم می‌شود سه تا چاپ دارد چون این می‌گوید این چاپ طبعة جدیدة منقحة عن الاصل**

**آیت الله مددی : این به نظرم خود شما برای من افست کردید آوردید**

**یکی از حضار : نه بنده آوردم**

**آیت الله مددی : می‌دانم این را یک کسی برای من آورده چه کسی آورده نمی‌دانم**

**یکی از حضار : من آوردم .**

**آیت الله مددی : من فکر می‌کردم آقای مختاری آورده است .**

**یکی از حضار : حالا چاپ بعد از این برای دار الغرب است .**

**یکی از حضار : دار الغرب محقق است .**

**یکی از حضار : محقق است ، این 1199 هجری است 6-45 سال پیش این چاپ شده است .**

**آیت الله مددی : یک مثلا 20 صفحه بزنید ایشان در اوائلش اسم کتاب‌ها را می‌آورد ، اواخرش اگر صفحه‌ی اواخر را بیاورید دیگر این حرف‌ها نیست نه این طریقی را که ما داریم آن فهرستی را که ما داریم امتیاز اساسی‌اش به این است یعنی امتیاز اساسی‌اش مکمل علم رجال است . حالا شما اواخر را نگاه کنید فقط تند تند سند می‌آورد وما کان**

**یکی از حضار : این دارد فهرسة شیخ الوزیر فلان ، فهرسة شیخ الاستاد ابی الحجاج یوسف**

**آیت الله مددی : فهرسة نباید بگویند باید فهرست بگویند چون فهرسة مصدر است .**

**یکی از حضار : حالا اینجا فهرسة است دیگر**

**آیت الله مددی : ها ضبط کرده فهرسة اشتباه است .**

**یکی از حضار : فهرسة شیوخ فقیه مغری ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن**

**آیت الله مددی : ببینید شیوخ یعنی طریق ، دقت کردید چه می‌خواهم بگویم**

**یکی از حضار : فهرسة الشیخ استاد ابی محمد عبدالله بن**

**آیت الله مددی : ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم به اساتید و مشایخ است ، ها مثل این اجازاتی است که صوفیه دارند ، اجازات صوفیه هم به مشایخ است دقت می‌کنید مثل اجازات صوفیه بله آقا ؟**

**یکی از حضار : به کتاب‌ها هم زیاد دارد .**

**آیت الله مددی : اوائلش بیشتر دارد .**

**یکی از حضار : کتاب سیبویه و اینها را دارد**

**آیت الله مددی : می‌دانم اوائلش ، عرض کردم به ایشان اوائل نگاه کنید به کتاب است بیشتر ، اواخر بعد فهرست شیخ ، فهرست شیخ این جوری**

**یکی از حضار : یکی مثلا این است ، ذکر المصنفات المتضمنة للسنن ایضا مع فقه الصحابة والتابعین .**

**آیت الله مددی : بله دارد اوائلش دارد چرا عرض کردم من نگاه کردم من اما آخرش حالا آن دارالغرب چیز دیگری است من نمی‌دانم اما این که چاپ شده**

**یکی از حضار : ننوشته عن الطبعة جدیدة عن الاصل فلان منشورات دارالافاق جدیدة بیروت .**

**آیت الله مددی : شاید چاپ لیدن باشد ها ؟**

**یکی از حضار : نه چاپ مصر است نسخه‌ی آن است .**

**آیت الله مددی : حروف لایدن نیست ؟**

**یکی از حضار : نه لایدن نیست .**

**آیت الله مددی : احتمال می‌دادم حروف لایدن باشد .**

**علی ای حال این یک مطلبی را اول در راجع به این مساله‌ی فهرستی را که آقایان گفتند به اصطلاح البته این هست که کلمه‌ی فهرست را بعضی‌ها با سین فقط نوشتند بعضی‌ها مثل ایشان با تاء مدور نوشتند بعضی‌ها هم با تاء ممدود نوشتند فهرست مثل ماها، سه جور تا حالا ضبط شده کلمه در این کتبی که ما داریم و به اصطلاح این فهرستی را که اصحاب ما به اصطلاح تدوین کردند از این جهت خوب واقعا بی نظیر است یعنی از جهت مساله‌ی حجیت و مساله‌ی اینکه آیا خبر را قبول کنیم و اگر قبول بکنیم که مثلا مرحوم نجاشی یا شیخ هر دویشان گاهی یک شخصی را ذکر می‌کنند و طائفه‌ای از کتب را می‌آورند بعد می‌گویند اخبرنا بها جماعة عن ابن بطة مثلا معلوم می‌شود در خود کتاب ابن بطة اسم این کتاب آمده است چون ظاهرش این طور است یعنی بعبارة اخری اسماء کتب را از جای دیگر نیاوردند از همان مبدائی که از همان فهرستی که فرض کنید فهرست ابن الولید فهرست ابن بطة از همان مبدائی که نقل می‌کنند از آن جا گرفتند از آن فهرست، طبعا فهرست ابن بطة مقدم است بر فهرست ابن الولید است حتی شاید بر فهرست مرحوم یعنی بر فهرست مثل حمید بن زیاد هم مقدم باشد ، حمید بن زیاد بر مرحوم ابن الولید مقدم است، فهرست ابن عقده بر فهرست یعنی اگر ابن عقده فهرست داشته باشد چون بله عرض می‌کنم .**

**و عرض کردیم این فهارسی را که مرحوم شیخ و نجاشی الان نوشتند و دست ما رسیده این در حقیقت دو تا مصدر دارد مصدر این فهارس دوتاست یعنی به عبارت دیگر خیلی نادر به کتاب فهرست ندیم مراجعه کردند ، با اینکه فهرست ندیم در اختیارشان بوده فهرست ندیم یک مقاله‌ی خاصه برای مصنفات شیعه‌ی امامیه دارد اسماء کتب را برده اسماء ، اینها اصلا به او کم شاید یک بار دو بار اگر در فهرست نجاشی ظاهرا یک بار آمده در فهرست شیخ دو بار یا سه بار خیلی کم اسم کتاب فهرست ندیم آمده است ، چرا چون سند ندارد ، ندیم طریق ندارد این‌ها اسم آن را نبردند فقط گفتند ذکره ندیم آن ها هم مثل اینکه ابن الندیم می‌گویند ، می‌گویند ضبطش ندیم است ابن ندیم درست نیست ذکره الندیم فی فهرسته این را دارند اما کم است یعنی مواردش خیلی کم است سرش هم این بود که اینها هدفشان فقط نام بردن از کتاب‌ها مثل الذریعة و اینها نبود هدفشان این بود که طرق را به آن بنویسند و ارزیابی بکنند ارزش آن کتاب‌ها را بیان بکنند .**

**البته در این جهت انصاف قصه این است که مرحوم نجاشی دقیق تر است و مرحوم شیخ معلوم است روی حجیت تعبدی بیشتر جلو رفته است ظاهرا قدر متیقن آن جایی که خیلی ضعیف بوده دیگر نیاورده است یا استثناء کرده است یا حالا از قلمش نرفته است و الا متوسطات و عالیات را همه را با هم آورده است .**

**و عرض کردیم این فهارس از دو جا اینهایی که مرحوم نجاشی و شیخ نوشتند تامین شده در مقابل علم رجال ، رجال اصولا یک مقدار برای کلمات معاصرین است که در میان اهل سنت زیاد داریم در میان شیعه کم داریم در رجال این جوری که از معاصر خودش دقیقا نقل بکند کم است غالبا از گذشتگان است اما در میان اهل سنت زیاد داریم مثل تاریخ بغداد و غیره و جرح و تعدیل و اینها در آنها زیاد داریم که از علمای معاصر خودشان یعنی نقل می‌کنند از کسی که معاصر اوست با او بوده با او زندگی کرده اینها غالبا مصدر خودشان را ننوشتند آقای خوئی هم گفتند حتما اینها از معاصر گرفتند تصوری است که ایشان فرمودند که سابقا متعرض شدیم که صحت ندارد قابل قبول نیست .**

**اما بعدها معظم رجال از روایات ما عرض کردیم سه تا محور اساسی الان ما در شیعه داریم در میان اهل سنت دو تا محور این محور سومش ضعیف است خیلی ، یک محور روایات است که این بین ما و بین اهل سنت هست طبعا روایات اهل سنت خیلی بیشتر از ماست ، محور دوم رجال است یعنی روات این روایات را جدا کردند و محور سوم هم فهارس است که این مختص ماست اهل سنت ندارند مگر اینکه از لابلای حرف‌هایشان در بیاوریم سه تا محور اساسی ما داریم این سه محور کردند که ما انجام دادیم خیلی برای معرف اشخاص و روات و مصادر و اینها خیلی کار گذار است .**

**چون یک شخص ممکن است در محور روایات یک عنوان باشد در محور رجال یک عنوان داشته باشد در محور فهارس یک عنوان داشته باشد احتمال دادیم اینکه گاهی اوقات مرحوم نجاشی یک شخصی را دو بار ذکر کرده احتمال دادیم مثلا یک بار به عنوان فرض کنید مثلا ابو سعید قماط اسم برده شده یک بار مثلا هاشم بن فلان که حالا اسم ابو سعید هم یادم رفته که چیست ، ابو سعید به اسمش ، احتمال دادیم که نجاشی دو بار گفته چون در فهارس اصحاب اسمش دو جور آمده است ایشان احتمال داد دو تا باشد .**

**شیخ اصولا در رجال تکرار زیاد دارد خیلی دارد در فهرست تکرار دارد کم است .**

**یکی از حضار : خالد بن سعید ، ابو سعید قماط**

**آیت الله مددی : ها خالد بن سعید قماط ، تصادفا یک شب ما اصلا اینجا ، دو سه شب ما اینجا راجع به ابو سعید قماط خودمان بحث کردیم چون مرحوم آقای تستری که ردی بر مرحوم مامقانی نوشته در اینجا دارد که مرحوم مامقانی گفته که ابو سعید قماط یکی از این پنج نفر است مرحوم آقای شیخ محمد تقی نوشته هیچ کدام نیست ، هر پنج تا را اشتباه نوشته این شخص دیگری است و ما یک توضیحاتی باز دادیم و انصافا یکی از جاهایی است که تستری خیلی مفصل یعنی خیلی قشنگ وارد شده است .**

**عرض کردم چند بار انصافش رجال مرحوم تستری قاموس یک نواخت نیست بعضی جاهایش خیلی دقیق است خیلی ریزه کاری شده است اما عامه‌ی کتاب این جور نیست نه بالای شاید نود درصد کتاب این جور نیست .**

**یکی از حضار : یک جاهایی معجم رجال آقای خوئی هم تحت تاثیرش هست .**

**آیت الله مددی : چرا چون اول آن چاپ شد . اما بعضی جاها آقای خوئی مطالب ایشان را نیاورده است اصلا اشاره هم نمی‌کند ، بعضی‌ جاها می‌گوید و ذکره بعضهم هم دارد بعضی جاها مطلبش را می‌آورد ، بعضی جاها نمی‌آورد و من احتمال می‌دهم البته شان استاد اجل است احتمال می‌دهم شاید آقای خوئی ملتفت کلام تستری ، چون تستری بد عبارت که هست عربی‌اش یک عربی خاص شوشتری خودش است عربی خاصی است یک عربی مخصوصی است و اصلا الفاظش یک جور خاصی است و به اصطلاح خیلی واضح و روشن و چیز صحبت نمی‌کند احتمال دادم نه آقای خوئی بعض دیگر هم که بعد از ایشان راجع به این شخص مثلا نوشتند ملتفت نکات کلام ایشان نشدند ، که ایشان چه نکاتی را در نظر گرفته است .**

**خوب کتاب باید یک کسی با ایشان با روش ایشان آشنا باشد ، می‌گویم بد عبارت هم هست عبارات عربی خاص خودش را دارد ، دارد عرض کردم بعضی جاها خیلی لطیف است فوق العاده .**

**یکی از حضار : جاهایی متلک می‌گوید و تندی می‌کند اشخاص دیگر فرار می‌کنند .**

**آیت الله مددی : بله ، غرض اینکه انصافا بعضی جاها ، البته به اهل سنت هم حمله می‌کند ، خیلی حمله می‌کند و الفاظ تندی هم علیه آنها به کار می‌برد .**

**علی ای حال انصافا کتاب فایده داری است ، عرض کردیم کرارا ایشان به نظر من می‌آید به لحاظ استعداد متوسط باشد حافظه‌اش هم متوسط است در رجال حافظه خیلی تاثیر گذار است ، استعداد هم به این معنا که بتواند این را به آن ربط بدهد ، هم حافظه داشته باشد و هم بداند این به آن خورد .**

**یک اینکه مثلا شبیه این اشتباه در فلان کتاب هم واقع شد ، این یک حافظه می‌خواهد و یک ربط می‌خواهد در اینها خیلی قوی نیست ایشان تحقیقات فقهی و اصولی ایشان هم متاسفانه قوی نیست ایشان تتبعش نسبت به دیگران بهتر است ، تتبعش خوب است . البته به هر حال ایشان در یک شهر دور افتاده‌ای مثل شوشتر بود دیگر در حوزه نبود یعنی آشنایی با خود ما که حالا یک وقتی در نجف بودیم این همه کتاب‌ها در می‌آید نگاه می‌کردیم یا در خود کتابخانه می‌ایستادیم یک تورقی می‌کردیم یا می‌خریدیم یا یک حالی داشتیم برای این کارها الان در خود قم هستیم خود من از خود قم خبر ندارم مثلا این که شما فرمودید از خود قم خبر ندارم با اینکه قم نسبت به نجف درجه 2 حساب می‌شد ، درجه 2 حساب می‌شود واقعا ، علی ای حال آن وقت برسد مساله به شوشتر و آنجا ها که خیلی به اصطلاح دور است .**

**اما روی این حرف‌ها تتبعات ایشان خیلی خوب است ، تتبعات ایشان یعنی نسبت به آن زمان بعد هم در این چهل و خورده‌ای سال که من در قم هستم خیلی مصادر اهل سنت چاپ کردند که ما اسمش را هم نشنیده بودیم مثل رجال ابن بَعین اصلا من نمی‌دانستم ابن بَعین رجال دارد ، خودش هم ندیدم من اسمش را فقط شنیدم در بعضی از مصادر استخراج کردند رجال ابن بعین را ، انصافا در این جهت خیلی کتاب‌ها مثلا ما سال‌ها در نجف این کتاب جامع الصحیح الان یادم بیاید ، ابن حبان نه یکی دیگر است ،**

**یکی از حضار : ضعفای ابن حبان داریم و ...**

**آیت الله مددی : ضعفایش چاپ شده نه ، یک کسی است که صحیح دارد ما این را خیلی مراجعه می‌کردیم به کتاب نصب الرایه اصلا نبود چاپ نشده بود ، بعد یک صحیح ابن حبان است چرا الاحسان ، صحیح ابن حبان بعد این چاپ شد با یک تغییراتی اخیرا هم خودش چاپ شد نسخه‌ی اصلی چاپ شد یعنی اصلا اینها نبود یعنی من ده سال مثلا بیشتر به این کتاب مراجعه می‌کردم تا رسیدم به نصب الرایه آن اگر نقل کرده بود خود من در اختیار ما نبود اصلا در بازار نبود اصلا خبر از آن نداشتند از آن نسخه اصلا خبری نداشتند .**

**علی ای انصافا در این مدت اخیر کتاب‌های بسیار زیاد و بسیار خوب زیاد چاپ کردند خود ما ها مطلع نبودیم چه رسد به مرحوم آقای تستری در شوشتر .**

**علی ای حال اما مرد ملایی است آدم خوبی است در تدین ورع تقوا انصافا ضرب المثل است و خیلی زحمت کشیده است می‌دانید یکی از خوبی‌های ایشان آثارش را نمی‌فروخت همین آقای غفاری چاپ می‌کرد و خودش می‌فروخت اصلا نه پول می‌گرفت اصلا اهل این حرف‌ها نبود آن می‌گرفت برای خودش چاپ می‌کرد این می‌گرفت برای خودش چاپ می‌کرد اهل این حرف‌ها که من مثلا یک حق الچاپی حق التالیفی به من بدهید اهل اینها نبود و من حیث المجموع انصافا این اسم عجیب و غریب نهج البلاغه را قشنگ نوشته البته در نهج البلاغه کار فنی زیاد می‌خواهد این کارهایی که شده کافی نیست اما به هر حال انصافا قشنگ نوشته بهج الصباغه را .**

**یکی از حضار : آن ظاهرا ضبطش همان اَموی است نوشته نسبتا الی جبل امو فی المغرب فانه فاسی المولد ، اشبیلی الدار .**

**آیت الله مددی : اها شاید اَموی بوده است . اینها چون برای اندلس بودند . شاید من چون دیدم اندلسی ، اندلسی‌ها اُموی هستند دیگر بنی امیه آنجا بودند .**

**یکی از حضار : اشبیل دارش بوده ولی خودش فاسی بوده است**

**آیت الله مددی : فاس برای مراکش است به حساب**

**یکی از حضار : نوشته اینجا مغرب .**

**آیت الله مددی : همان مراکش را مغرب می‌گویند عرب‌ها مغرب می‌گویند .**

**یکی از حضار : مسجد معروف که جائز الوصفین است که همان مسجد هم اَموی هم اُموی است .**

**آیت الله مددی : نه اُموی بنی امیه است دیگر . امیه است دیگر معروف به اُمیه است . اُمیه با هاشم معروفند .**

**علی ای حال پس رجال را از روایات ما از روایات در آوردیم سنی‌ها هم همین طور ما معاصر داریم خیلی کم از معاصر چیزی نقل بکنیم کم داریم نسبت به رجالی که داریم کم است اما اهل سنت زیاد دارند و معظمش را از روایات در آوردند یعنی محور رجال نزد اینها معظمش از روایات است نزد ما که معظمش واقعا آنها نه از معاصر هم زیاد دارند شهادت معاصر این گفت من رفتم درسش این طور بود حدیث از او شنیدم این طور بود این را زیاد دارند ما این قدر زیاد نداریم بله داریم اما خیلی کم است آنها خیلی زیاد دارند محور فهرست هم که اهل سنت ندارند کلا عرض کردم نادر .**

**محور فهرست از روایات گرفته نشده است ما تمام بحثمان سر این بود این خیال نکنیم مثلا اگر روایتی بود علی بن ابراهیم عن ابیه مثلا عن ابن ابی عمیر عن جمیل عن ابی عبدالله مثلا روایت بوده بعد اصحاب این را طریق به کتاب جمیل قرار دادند با اینکه ، نه چنین چیزی نبوده است یعنی بعبارة اخری فهارس اصحاب از اجازات از اسانید گرفته نشده است از محور روایات گرفته نشده است فهارس اصحاب اصولا از دو چیز است یا اجازات است یا فهارس است یا اجازاتی است که داشتند از مشایخ**

**و عرض کردیم اجازات و بیشتر اجازات به خود اشخاص بود فهارس بیشتر به کتب بود اما اجازات به کتب هم داریم ما اما اجازات را الان بیشتر مثلا اروی عن العلامة بهذا الطریق بیشتر به ، اما فهارس به کتب بود نکته‌ی دومش این بود که اجازات فرقش با فهارس در این بود که اجازات مخاطب خاص داشت ، فهارس مخاطب خاص نداشت .**

**اجازات به این ترتیب بود که مثلا شیخ مفید می‌گفت من اجازه دادم به آقای شیخ طوسی که این کتب را به این ترتیب از من نقل بکند کتاب فلان از این طریق کتاب فلان از این طریق اسمش اجازه بود اما اگر کتابی می‌نوشت که در آن می‌گفت که آقا من کتاب فلان را از این طریق کتاب فلان مخاطب خاص نداشت اسمش فهرست بود یعنی فرق بین اجازات و فهرست در ذکر طرق به کتاب فرقی نمی‌کرد در مخاطب اگر**

**مثلا مرحوم شیخ مفید در شرح حالش ننوشتند فهرست داشت اما اجازه قطعا داشته هم به نجاشی اجازه داده هم به شیخ طوسی قطعا اجازه به کتب اصحاب داشته و این اجازات را هم به شیخ طوسی داده و هم به مرحوم نجاشی ، کذلک ابن غضائری کذلک ابن عبدون برای اینها فهارس ننوشتند بله اینها می‌آمدند اجازاتشان را به فهارس وصل می‌کردند آنها هم می‌آمدند بعد این اجازات و فهارس را به همان کتب .**

**مثلا مرحوم شیخ مفید اجازه به شیخ طوسی می‌داد فهرست ابن قولویه ، ابن قولویه کتابش فهرست بود مخاطب خاص نبود آن وقت مثلا ابن قولویه می‌گفت طریق من به کتاب جمیل این است دقت می‌کنید ؟ مرحوم شیخ طوسی از راه شیخ مفید از ابن قولویه با همان طریق از جمیل نقل می‌کرد این بود .**

**یعنی مثلا وقتی می‌خواستند کتاب ابن قولویه را نقل بکنند فهرستش را هم نقل می‌کردند و اضافه می‌کردند طریق می‌شد به آن شخص این متعارف بود یعنی این کاملا امر متعارفی بود اجازه‌ی ، ایشان اجازه داشت از مرحوم ابن قولویه به همه‌ی کتبش یکی‌اش هم به همین کتاب فهرست ایشان . ابن قولویه هم مثلا نقل می‌کرد از مرحوم کلینی لکن کافی را مثلا یا مرحوم شیخ مفید توسط پسر مرحوم ابن الولید از پدرش یا از صدوق نقل می‌کرد ، از صدوق نقل می‌کرد یعنی فهرست صدوق چون صدوق هم فهرست دارد .**

**حالا اگر یک وقتی پیش آمد فهارس اصحاب ، ابو غالب زراری هم همینطور شیخ طوسی از شیخ مفید از ابو غالب ، ابو غالب در آخر کتابش طرقش را به کتب نوشته است این را اضافه می‌کردند به آن این ترتیب نوشتن فهارس مثل شیخ طوسی و نجاشی است ، یا اجازات بود یا فهرست بود ، یا اجازه داشتند یا فهرست بود مثل فهرست‌هایی که متعارف بود در آن زمان که بعضی‌هایش را عرض کردم .**

**لذا به ذهن ما می‌آید که عنوان اجازه با عنوان فهرست فرق می‌کرد ، البته یک چند ‌دفعه‌ی دیگر هم نقل کردم که در کتاب نجاشی یک جایی یک نوشتار را هم گفته اجازه هم گفته فهرست این هم به این لحاظ شاید به اینکه اجازه به یک معنایی فهرست است فهرست به کتب است، به این معنا و الا**

**در کتاب نجاشی نگاه بکنید می‌خواهید بیاورید محمد بن الحسن بن احمد بن ولید می‌گوید ایشان یک اجازه‌ای داده به ابن ابی جید اجازه‌ای داده برای کتبش بیاورید ابن الولید را ، ابن ابی جید ترجمه ندارد در کتاب نجاشی و شیخ ترجمه ندارد اما ابن الولید دارد محمد بن الحسن بن احمد بن الولید .**

**یکی از حضار : بعد همین اجازه را می‌گوید در فهرست است .**

**آیت الله مددی : اها این را اسمش را گذاشته اجازه ، در شرح حال مرحوم ابن الولید اسمش را گذاشته اجازه ، له اجازة بکتبه وروایاته بعد اگر آوردید تا بگویم در کجا گفته در فهرست . آوردید ؟ آخرش بعد از اینکه می‌گوید فلان و فلان خیلی مرد ملایی هم هست لذا نوشتند قمی هم نبوده از خارج قم نمی‌دانم از کدام شهری است اساسش از کجاست ؟ و الا نیست از قم .**

**یکی از حضار : شاید همین باشد که شما فرمودید که اجازه مخاطب خاص دارد فهرست مخاطب خاص ندارد خیلی بی راه هم نیست که اطلاق بشود به او**

**آیت الله مددی : بله ظاهرا مخاطب خاص یعنی یک فهرستی معنای عام برایش بگیریم که شامل اجازه هم بشود و الا طبق این تعریف ما باید فهرست غیر از اجازه باشد ، بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : مدخل 1042 محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ابو جعفر شیخ القمیین وفقیه ما تقدمه و وجه ویقال انه نظیر قم وما کان اصله من قم**

**آیت الله مددی : قمی نبوده اما واقعا آبروی قم است یعنی واقعا شیخ بسیار خیلی خیلی حتی مرحوم شیخ مفید در آن بحث غلو می‌گوید و هذا الشیخ ابن الولید شیخ القمیین مثلا قائل بوده اول درجات غلو بعد می‌گوید این تقصیر این قصور در حق ائمه است ، قمی‌ها متهم بودند به اینکه ولایتشان ضعیف است مقصرند در حق ائمه علیهم السلام بله حتی شیخ مفید اسم این را هم می‌برد اصلا اسم می‌برد ابن الولید را که این شیخ القمیین بعد این مطلب را گفته و می‌گوید و هذا تقصیر بین ، راست هم می‌گوید انصافا حق با شیخ مفید است و انصافا چون ابن الولید گفته اول درجات الغلو نفی السهو عن النبی والائمة یعنی چه خوب ما هم نفی سهو می‌کنیم غلات نیستیم که چیز عجیب و غریبی است یعنی حرف زوری است تقریبا که اگر کسی گفت پیغمبر سهو نکرد در نماز این جزو غلات حساب بشود اول درجات الغلو لذا حق با شیخ مفید است می‌گوید و هذا تقصیر بین انصافا**

**یکی از حضار : در تصحیح الاعتقاد می‌گوید**

**آیت الله مددی : بله تصحیح الاعتقاد .**

**چون مرحوم صدوق علی خلاف القواعد می‌گوید و از جمله‌ی علامات غلو این است که اهل قم را به تقصیر نسبت می‌دهد بگوید قمی‌ها مقصرند برداشته نعمتی حیدری‌اش کرده است ، مرحوم شیخ مفید می‌گوید آقا این چه حرفی است که شما می‌زنید ؟ خوب بالاخره عده‌ای از علمای قم مطالبی را گفتند که اینها تقصیر در حق ائمه است و هذا شیخهم ابو جعفر محمد بن الحسن کان یقول بعد می‌گوید و هذا تقصیر بین بعد هم می‌گوید وقد ورد علینا جماعة من مشایخ قم فرایت بعضهم یقول ان الائمه ما کان یعلمون جمیع احکام الدین نوشته است این را ، حالا خیلی عجیب است یعنی واقعا تعجب آور است ، معلوم می‌شود این تفکراتی که الان چیزهای عجیب و غریبی که الان می‌گویند این سابقه داشته از آن وقت و بعضهم کان یقول ان الائمه کانوا یستعملون القیاس فی الدین .**

**علی ای حال می‌گویند اینها را هم بله آقا ؟**

**یکی از حضار : معلوم می‌شود واقعا قمی نبودند .**

**آیت الله مددی : بله . از خارج قم آمده است و الا اول، خوب زور است دیگر انصافا حرف بیهوده‌ای است که بگوید اول درجات الغلو نفی السهو عن النبی والائمه اگر انسان بگوید اینها در موضوعات خارجی سهو نکردند این چه مقام بالایی نیست که چیزی نیست که بله بفرمایید آقا فلم یکن اصله من قم ، به قول ایشان قمی نبوده بفرمایید .**

**یکی از حضار : همان قاتل پسر سید هم گفتند قمی نبوده اگر قمی بود خود سید را می‌کشت**

**آیت الله مددی : بله ، این را حاج داداش گفت ، برادر زن آقای مرعشی دایی آقای سید محمود گفت نه آقا این قمی نبود اگر قمی بود خود آسید ابوالحسن را می‌کشت . این قمی نبوده است . بفرمایید شیخ علی قمی . بله آقا بفرمایید .**

**یکی از حضار : عرض شود که له کتب منه کتاب تفسیر القرآن وکتاب الجامع**

**آیت الله مددی : این جامعش خیلی کتاب بله**

**یکی از حضار : اخبرنا ابو الحسین علی بن احمد بن**

**آیت الله مددی : اسم ایشان را خیلی وقت‌ها دقت کنید من نفهمیدم نجاشی ، مثلا شیخ همیشه می‌گوید ابن ابی جید یک وقت یک اصطلاح بعضی‌ها می‌گویند اخبرنا ابوالحسین ، اخبرنا مثلا احمد بن این را گاه گاهی کامل می‌آورد گاهی ناقص می‌آورد چیز عجیبی است نجاشی نمی‌دانم حالا نکته‌ای دارد این کارش این ابن ابی جید است دیگر این معلوم می‌شود**

**یکی از حضار : عبارت تصحیح الاعتقاد را هم آوردم که بخوانم ، می‌گوید و قد سمعنا حکایة ظاهرا عن ابی جعفر**

**یکی از حضار : صفحه‌اش را هم بگویید ، دارید صفحه‌اش را ؟**

**یکی از حضار : موسوعه صفحه 135**

**آیت الله مددی : اول عبارت صدوق را بیاورید ، تقریبا یک فصل قبل از آخر کتاب است اعتقادات صدوق فی الغلو والتفویض عنوانش تفویض است عرض کردم این تفویض آن تفویض جبر و تفویض نیست ، جبر و تفویض یعنی خداوند انسان را مجبور کرده یا به اراده‌ی انسان واگذار کرده حتی بعضی گفتند که اگر خدا هم نبود دنیا اداره می‌شد خدا دنیا را روی یک نظامی قرار داده بشر را هم خلق کرده دنیا طبق نظام خودش جلو می‌رود خدا باشد نباشد دنیا طبق نظام خودش ، تفویض را به حساب یک معنایش این است این تفویض یعنی خدا دنیا را خلق کرد و همه‌ی امور را به ائمه تفویض کرد ، خالق و رازق و اینها محی و ممیت و همه‌ی جهات ائمه هستند این مراد است و لذا دارد باب فی التفویض والغلو این عفو است و لذا در اذان دارد اعلم ان المفوضة خذلهم والله ولعنهم الله زادوا اینجا هم تعبیر به مفوضه کرده که مرادش غلو است نه مرادش آن تفویض باشد ، مفوضه و تفویض نزد ما مراد این است غلات است طایفه‌ای از غلات است بفرمایید.**

**یکی از حضار : من الان عبارت نقل ایشان را بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : همان بالایش چند سطر بعد**

**یکی از حضار : و اما نص ابی جعفر رحمه الله بالغلو علی من نصب مشایخ القمیین وعلمائهم الی التقصیر فلیس نسبتها هولاء القوم الی التقصیر علامة علی غلو الناس**

**آیت الله مددی : می‌گوید اگر کسی گفت علمای قم دارد قبلش نگاه کنید سه چهار سطر قبلش ، و من جملة علامات اهل الغلو اینکه نسبت به علمای قم به تقصیر می‌گوید این چه حرفی است که می‌زنید خوب راست است خوب حرف بیهوده‌ای است انصافا این که کسی بگوید علمای قم مقصرند این جزو غلات است خوب حالا اشتباه کرده جزو غلات که نمی‌شود دیگر ، البته اینها بغدادی ها را غالی می‌دانستند چون آل بویه بغداد بودند و حکومت دستشان بود احتمال دارد مرادشان از غلو ، غلو سیاسی اصلا باشد نه آن غلو اعتقادی ، عبارت خود صدوق را اول بیاورید .**

**یکی از حضار : باید بروم آنجا**

**آیت الله مددی : خیلی خوب نروید حالا ،**

**یکی از حضار : در این جا عبارت را نقل کرده در کتاب فقط گفته**

**آیت الله مددی : چرا در این کتاب من هست ، قال الصدوق البته در کتاب اعتقادات من دیدم شاید در تجدید الاعتقاد عبارت صدوق را ندارد قال ابو جعفر**

**یکی از حضار : عرض کردم فقط نقل قول است .**

**آیت الله مددی : بله و اما ،**

**یکی از حضار : حالا اجازه بدهید عبارت را بیاورم حالا که فرمودید ،**

**آیت الله مددی : یک فصل قبل از اخیر یا دو تا قبل از آخر کتاب ،**

**یکی از حضار : بیشتر است جسارتا یعنی صفحه‌ی 97 است بعد از آن هفت تا باب دیگر داریم و بعد از کتاب تمام می‌شود.**

**آیت الله مددی : من خیال می‌کردم دو باب مثلا بعدش .**

**یکی از حضار : به شماره‌ی کتاب باب 37 است و خود کتاب 45 باب است ، باب نفی الغلو والتفویض**

**آیت الله مددی : این تفویض یعنی همان غلو . اعتقادنا بعد می‌گوید اعتقادنا**

**یکی از حضار : بله می‌گوید که خیلی بحث‌ها را مفصل در تفویض و اینها آورده است بعد می‌گوید و قد فوض الله تعالی الی نبیه صلی الله علیه وآله وسلم امر دینه وما آتاکم الرسول ... قد فوض ذلک الی الائمه علیهم السلام وعلامة المفوضة والغلاة واصنافهم نسبتهم مشایخ قم وعلمائهم الی القول بالتقصیر**

**آیت الله مددی : خیلی این عبارتش کرده است علماء قم ، مرحوم شیخ مفید می‌گوید این چه حرفی است هر کسی حرف باطلی گفت باطل است دیگر حالا قم باشد یا بغداد باشد دیگر این چه حرفی است که می‌گویید اگر کسی گفت علمای قم مقصرند شما بیایید بگوید غالی هستید جزو غلاتید مثلا**

**یکی از حضار : ایشان می‌گوید ولیس نسبة هولاء القوم الی التقصیر علامة علی الغلو الناس اذ فی جملة المشار الیهم بالشیخوخة والعلم من کان مقصرا**

**آیت الله مددی : می‌گوید شیوخ هم هستند بزرگند نه اینکه طلبه‌ی عادی باشند .**

**یکی از حضار : و انما یجب الحکم بالغلو علی من نسب المحقین الی التقصیر سواء کان من اهل قم ام غیرها من البلاد**

**آیت الله مددی : شما به ما نسبت دادید تقصیر شما وضعتان خراب است ما نه ، کسی که بر حق است که نباید گفت این غلو**

**یکی از حضار : ما در نسبت غلو دچار غلو شدیم .**

**آیت الله مددی : بفرمایید .**

**یکی از حضار : بعد ایشان می‌فرماید وقد سمعنا حکایة ظاهرة عن ابی جعفر محمد بن الحسن بن الولید رحمه الله لم نجد لها دافعا فی التقصیر**

**آیت الله مددی : لم نجد اصلا نمی‌شود ردش کرد یعنی قابل توجیه نیست مطلب عجیبی است گفتار عجیبی است مقاله یعنی گفتار ، گفتار عجیبی است گفتار ایشان**

**یکی از حضار : وهی ما حکی عنه انه قال اول درجة فی الغلو نفی السهو عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم والامام علیه السلام ، بعد ایشان تردید می‌کنند می‌گویند فان صحة هذه الحکایة عنه فهو مقصر مع انه من علماء قمیین ومشیختهم**

**آیت الله مددی : راست هم هست واقعا مرد بزرگواری است نمی‌شود انکار کرد . خیلی عجیب است خوب حالا یک عقیده‌ای پیدا کرده آدم خیلی هم نمی‌تواند به او حمله بکنیم اما واقعا حرف ، اصلا آن قصه‌ی سهو النبی را خود اهل سنت خیلی‌هایشان منکر هستند و قبول ندارند یک شرحی دارد حالا اگر یک وقتی وقت شد تصادفا این را آقای شیخ محمد تقی قبول می‌کند حدیث سهو النبی را قبول کرده و یک رساله نوشته من خواندم چون دو سه تا روایت صحیح ما داریم روایت صحیح نزد ما هست غیر از روایات ، روایات آنها خودشان هم مناقشه دارند اهل سنت مناقشه‌ی مفصلی دارد که حالا نمی‌خواهیم وارد بشویم یک مقدار زیادی‌اش در ذهنم هست مقدارش را هم باید مراجعه کنم اما نمی‌خواهم وارد بشوم بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : بقیه‌اش را هم بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : بخوانید بله .**

**یکی از حضار : وقد وجدنا جماعة وردوا الینا من قم یقصرون تقصیرا ظاهرا فی الدین وینزلون الائمه علیهم السلام عن مراتبهم ویزعمون انهم کانوا لا یعرفون کثیرا من الاحکام الدینیة حتی یمکث فی قلوبهم**

**یکی از حضار : تا الهام بشود ها ؟**

**آیت الله مددی : مگر الهام بشود من نمی‌دانم خودشان بلدند**

**یکی از حضار : وراینا من یقول انهم کانوا یلتجئون فی حکم الشریعة الی الرای والظنون ویدعون مع ذلک انهم من العلماء وهذا هو التقصیر الذی لا شبهة فیه**

**آیت الله مددی : خوب راست می‌گوید دیگر حق با شیخ مفید است انصافا این حرف بدی است من گفتم اینها مقصرند تو بگو تو غالی هستی تو آن طرف افتادی خوب اینها مقصرند دیگر و واقعا هم عجیب است البته من احتمال می‌دادم که ایشان یک کمی مبالغه کرده بعد مصدرش را پیدا کردم که شما هم چاپ کردید یک مقاله‌ای هشت تا روایت در نوادر الحکمة هست که این هشت تا یکی‌اش حالا خیلی صریح نیست اصلا در بقیه‌اش عمل به قیاس است در باب تعارض اخبار اصحاب ما همه را حذف کردند آن وقت یک نفر از علمای زیدیه هست که کتاب فی الامامة نوشته ایشان برداشته از یک مصدر شیعه نقل می‌کند نوادر الحکمة باب تعارض هشت تا روایت می‌آورد بعد**

**یکی از حضار : آن هایی که آنها اسقاط کردند آن همه را آورده است .**

**آیت الله مددی : آن همه را آورده است این مقاله‌ای هم در همین کتاب شناسی شما نمی‌دانم چندمین ،**

**یکی از حضار : حسین پوری به نظرم**

**آیت الله مددی : حسین پوری برداشته آن جا نوشته البته مثل اینکه اصلش هم از آن انصاری گرفته بود حسن انصاری شنیدم پیدا کرده اول، علی ای این کتاب در سال چهارصد و خورده ای نوشته شده در یمن نسخه هم خطی است ایشان برداشته آورده است آن وقت برای ما روشن شد که واقعا شاید عده‌ای از علمای قم این روایت را قبول داشتند ، این روایت اصلا دلالت بر قیاس می‌کند رسما قیاس است خوب اما علمای شیعه همه اش را حذف کردند هر هشت تا را حذف کردند .**

**یکی از حضار : زدند به دیواری که**

**آیت الله مددی : دقت می‌کنید ؟ انصافا این من اول خیال می‌کردم شیخ مفید مثلا یک جوری مبالغه آمیز است بعد دیدم نه احتمال دارد که آنها همین روایت را دیدند کتاب نوادر الحکمة هم نزد آنها معروف بوده در قم خیلی معروف بوده قائل بودند به این مطلب حق با شیخ مفید است یعنی واقعا اگر کسی قائل بود به اینکه ائمه قیاس را به کار می‌برند هست روایت نقل کردند از خود ائمه نقل کردند که قیاس ، بفرمایید آقا . قبل از اینکه بنده پنچر بشوم ، خوب این برای ابن الولید بخوانید بعد ایشان می‌گوید حدثنا ابوالحسین بگویید ، ابوالحسین ابن ابی جید**

**یکی از حضار : بله ، اخبرنا ابوالحسین قال حدثنا محمد بن الحسن ورایت اجازته له بجمیع کتبه و احادیثه**

**آیت الله مددی : ببینید تعبیر به اجازه**

**یکی از حضار : بجمیع کتبه و احادیثه**

**آیت الله مددی : باید احادیث نباشد روایات باشد ،**

**یکی از حضار : احتمال نسخه بدل هست این ، چون روایات خیلی رایج است .**

**آیت الله مددی : آها رایجش این است کتب تالیفات خودش ، روایات تالیفات آخرین ، کتب دیگری که نقل کرده آنهاست . بعد ترجمه‌ی اسماعیل بن جابر جعفی را بیاورید در کتاب نجاشی همین دو مورد فقط ذکر شده است به عنوان اجازه و فهرست اسم ابن الولید و ابن ابی جید زیاد است اخبرنا ابو الحسین فلان ابن الولید این زیاد است اما اینکه اسم این چه بوده آن نوشتار چه بود در ترجمه‌ی خودش اجازته له تعبیر به اجازه کرده است حالا بجمیع احادیثه اگر باشد این مثل رجالی است جنبه‌ی فهرستی ندارد اما اگر روایاته باشد جنبه‌ی فهرستی دارد حالا که ایشان احادیثه نوشته فکر نمی‌کنم احادیثه درست باشد باید روایاته باشد .**

**یکی از حضار : مدخل 71 اسماعیل بن جابر جعفی روی عن ابی جعفر ابی عبدالله الی ان یقول له کتاب ذکره محمد بن الحسن بن الولید فی فهرسته**

**آیت الله مددی : دارد در فهرستش مثلا ، حالا ایشان در ترجمه‌اش فهرست ننوشته است اجازه نوشته است دقت کردید از این عبارت معلوم می‌شود و درست هم هست فهرست به معنای عام شامل اجازه هم می‌شود دیگر حالا می‌خواهد مخاطب خاص باشد یا نباشد ، فی فهرسته یعنی فی طرقه الی الکتب طرقه الی الکتب که اجازه داده به ابن ابی جید در آنجا دارد من نمی‌دانم شیخ طوسی در ابن الوید چه گفته آن الان عبارت شیخ طوسی در ذهنم نیست حالا بیاورید من به علم خودم هم اضافه بشود اینها که معلومات سابق من بود فهرست شیخ را بیاورید.**

**اما انصافا بینی و بین الله ابن الولید مرد ملایی است خیلی ملا است انصافا خیلی دقیق و خیلی هم تند است یعنی می‌اندازد کله پا می‌کند با این غلات و ... عرض کردم اصولا ببینید از قرن سوم به بعد یعنی بلکه بشود گفت از سال‌های 180 – 170 دیگر غلات سیاسی در مرکز دنیای اسلام نمی‌توانستند بمانند، مراد ما از غلات سیاسی اینهایی که حرکت مسلحانه داشتند حتی خوارج زیدی‌ها مثلا در کوفه قیام کردند شکست خوردند در مدینه قیام کردند شکست خوردند در مکه قیام کردند شکست خوردند در آن بئر الجماجم قیام کردند شکست خوردند در بصره قیام کردند ، خوب دولت مقتدر بود دیگر اینها را جمع و جور می‌کرد .**

**لذا دقت کنید اصولا از مثلا سال‌های 150 – 160 هم خوارج هم زیدیه هم شیعیانی که این تفکرات را داشتند اینها همه رفتند یا شهرهای خیلی دور یا مناطق کوهستانی تا از ، مثلا خوارج سجستان ، زیدی‌ها یمن یعنی تقریبا در حاشیه‌ی کشورهای اسلامی بودند ، دیگر نیروی داخلی هم آنجا ضعیف بود ، قم هم اگر دارد روی این جهت است یعنی به خاطر دور بودن و کوهستانی بودن .**

**یکی از حضار : آوردم مدخل 709 است فهرست شیخ طوسی چاپ همان جامعه‌ی مدرسین محمد بن الحسن بن ولید قم عارف بالرجال موثوق به له کتب جماعة منها کتاب الجامع وکتاب التفسیر وغیرذلک اخبرنا بروایاته وکتبه**

**آیت الله مددی : این درست است اخبرنا بروایاته این فهرست شیخ است آنجا گفت بکتبه و احادیثه دیگر ما چون آقا ایشان گفت ایام متن حدیث بودید ؟ نمی‌دانم ، آقایان همه می‌دانند من خیلی روی متن حساس هستم یک حساسیت عجیبی کلمه کلمه را حساب می‌کنم به نظر من این بهتر است اخبرنی بروایاته وکتبه این درست است ، نه اخبرنی بکتبه و احادیثه آن درست نیست این درست است . حالا من نخواندم گفتم اصلا یادم هم نیست شیخ چه گفته است طبق قاعده گفتم این اوفق است به عبارت این باید باشد .**

**یکی از حضار : ...**

**آیت الله مددی : این که شماست به کدام ندارد ؟**

**یکی از حضار : کدام چاپ است ؟**

**آیت الله مددی : اسپرینگر است ؟**

**یکی از حضار : محقق طباطبائی**

**یکی از حضار : چاپ آقا عزیز**

**آیت الله مددی : نه باید باشد اگر ندارد باز آن هم یک غلط است این یکی‌اش یکی غلط است آن یکی یکی‌اش غلط است در کتب هم باید باشد هر دویش باید باشد ، اخبرنا بکتبه و روایاته بعد هم شیخ طوسی از ابن ولید نقل می‌کند مستقیم از او نقل می‌کند روایت از او نقل می‌کند باید همان ابن الولید باشد ، بله آقا بفرمایید اخبرنا بروایاته و کتبه بفرمایید .**

**یکی از حضار : چون نسخه بدل هم ندارد چاپ آقا عزیز .**

**آیت الله مددی : چاپ اسفرینگر ندارد ؟**

**یکی از حضار : من ندارم .**

**آیت الله مددی : چون من دارم چاپ اسفرینگر را من دارم . آن هم غلط دارد به هر حال این لیدن چاپ کرده اما انصافا وقتی که هنوز این کتاب نزد ما چاپ نشده بود آنها زحمت کشیدند خیلی هنر کردند انصافا این آقای رامیار هم که خدا رحمتش کند مشهد فوت کرد آن هم یک فهرست خیلی قشنگی برایش نوشت ، بله بفرمایید آقا اخبرنا .**

**یکی از حضار : عرض شود که از سه تا طریق می‌گوید اخبرنا بروایات و کتب ابن ابی جید عنه واخبرنا جماعة عن احمد بن محمد بن الحسن عن ابیه**

**آیت الله مددی : صبر کنید ، این احمد بن محمد پسر ابن الولید اسمش احمد ، خود ابن الولید اسمش محمد است ، جماعة ‌یکی‌اش هم شیخ مفید است چون شیخ مفید الان شیخ جای دیگر هم دارد شیخ مفید پسر ابن الولید ظاهرا بغداد آمده خود ابن الولید دلیل نداریم بغداد آمده پسر ابن الولید آثار پدرش را نقل کرده است یکی‌اش را که ما الان می‌بینیم شیخ مفید است ایشان می‌گوید جماعة معلوم می‌شود ابن الغضائری و ابن عبدون هم درکش کردند چند تا از مشایخ بغداد ، و الا آن که الان در کتب شیخ طوسی داریم شیخ مفید عن احمد بن محمد عن ابیه این احمد بن محمد مراد پسر ابن الولید است صدوق هم دارد می‌گوید احمد بن محمد عن ابیه آن مراد پسر محمد بن یحیی عطار است هر دو احمد بن محمد هستند خیلی لطیف است هر دو هم عن ابیه دارند این یکی برای شیخ مفید است پسر ابن الولید است آن برای شیخ صدوق است پسر محمد بن یحیی العطار است .**

**یکی از حضار : مستقیما از پسر نقل می‌کند ؟**

**آیت الله مددی : چه کسی ؟**

**یکی از حضار : شیخ مفید ؟**

**آیت الله مددی : بله بغداد آمده ایشان ، داریم ما در تهذیب هم داریم عن احمد بن محمد**

**یکی از حضار : شیخ طوسی هم همینطور**

**آیت الله مددی : شیخ طوسی از شیخ مفید نقل می‌کند ، دقت کردید ؟ اما من ابن غضائری یادم نمی‌آید از احمد بن محمد ابن غضائری و ابن عبدون را یادم نمی‌آید از اینکه ایشان می‌گوید جماعة معلوم می‌شود آن‌ها هم نقل کردند روشن شد ؟ یعنی وقتی ایشان بغداد آمده مشایخ بغداد آثار پدرش را از ایشان گرفتند و عرض کردیم این تصادفا هر دو پسر آقازاده هر دو هم توثیق نشدند دقت می‌کنید ؟ اصلا این رجال ما یک مقدار به هم پاشیدگی‌اش هم روشن بشود برای شما برای اولین بار البته خود علامه اگر این شخص در سند بود تصحیح کرده گفته صحیحٌ ، حالا علامه از چه راهی نمی‌دانیم علامه اگر سندی درش احمد بن محمد عن ابیه بوده گفته صحیحٌ لکن برای اولین بار مثلا این مطلب در رجال این آقا در قرن پنجم در قرن چهارم آمده بغداد سیصد و خورده‌ای آمده بغداد دقت می‌فرمایید ما توثیق حالا علامه قرن هشتم است من باب مثال می‌خواهم بگویم در قرن دهم شهید ثانی می‌گوید اینها اصلا توثیق نمی‌خواهند اینها بزرگان هستند مشایخ هستند از اینجا وارد شیعه شد توثیق شد روشن شد ؟ به استثنای علامه که نکته‌اش را نگفته که چرا توثیق کرده ، مرحوم صدوق این توثیق را مرحوم شیخ شهید ثانی آورد در اولین بار که امثال این دو تا پسر این دو تا آقا زاده‌ی بزرگوار توثیق نمی‌خواهند هر دو از مشایخند بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : چاپ اسفرینگر هم همینطور است .**

**آیت الله مددی : کتب ندارد ؟**

**یکی از حضار : دارد ، اخبرنا بروایاته و کتبه ابن ابی جید ، مدخل آن جا ششصد و چون ترتیب را عوض کرد دیگر ایشان الفبایی‌اش کرد 618 شد .**

**آیت الله مددی : ایشان برداشته الفبایی‌اش کرده حروف الفبایی ، خود کتاب روی حروف الفبایی دقیق نیست ایشان روی حروف الفبایی دقیق آورده است . درستش باید همین باشد کتبه باید باشد آن نسخه‌ی آقا عزیز احتمالا سقط است ان شاء الله سقط از چاپخانه است برای احترام به آقا عزیز می‌گوییم از چاپخانه سقط شده است .**

**یکی از حضار : جماعة عن احمد و یکی هم جماعة عن محمد بن علی بن الحسین**

**آیت الله مددی : نه ، چرا آن هم دارد ، جماعة عن محمد بن علی بن الحسین صدوق پسر ، صدوق یعنی ، صدوق معروف چون ایشان هم بغداد آمده است 352 – 3 دو بار بغداد آمده است آن وقت شیخ مفید از ایشان از ابن الولید نقل می‌کند روشن شد ؟ فرقش چیست ؟ شیخ طوسی از مفید از پسر ابن الولید از ابن الولید ، از مفید از صدوق دو تا واسطه دارد اما وقتی از ابن ابی جید نقل می‌کند یک واسطه ابن ابی جید ابن الولید . روشن شد ؟**

**ابن ابی جید توثیق ندارد آن سند سوم شیخ طوسی دیگر هیچ مشکلی ندارد چون شیخ طوسی شیخ مفید شیخ صدوق این دیگر هیچ مشکلی ندارد دیگر توثیقات عامه هم نمی‌خواهد ابن ابی جید هم توثیق خاص ندارد و این سرش را عرض کردیم ابن ولید 343 وفاتش است دقت فرمودید ؟ شیخ طوسی که به بغداد آمده 408 است یعنی 65 سال بعد از وفات ابن الولید پس این ابن ابی جید جوان بوده اجازه گرفته است روشن شد چه می‌خواهم ؟**

**یعنی مرحوم شیخ طوسی 65 سال است با یک واسطه نقل می‌کند چون وقتی ابن ابی جید بغداد آمده شیخ بوده در بغداد حالا یا 408 است یا 9 است یا 10 است به هر حال بعد از 408 است نجاشی هم که بغداد بوده است فرق بین این سه تا طریق روشن شد ؟**

**طریق اولی که ابن ابی جید است قرب اسناد دارد لکن مبتنی است بر وثاقت ابن ابی جید ، طریق دومی قرب اسناد ندارد عادی است مبتنی است بر وثاقت احمد پسر ابن الولید ، طریق سوم قطعا معتبر است چون شیخ طوسی ، شیخ مفید ، شیخ صدوق این دیگر هیچ دیگر جای بحث ندارد ، روشن شد؟**

**و واقعا اگر اصحاب ما این کار را بیشتر انجام می‌دادند خیلی دقت بیشتر می‌شد ، خیلی بیشتر می‌شد . انصافا خیلی زحمت کشیدند غصه می‌خوریم ما اینقدر تنبل شدیم و اینها اینقدر زحمت کشیدند باید این زحمت‌ها به حساب روشن بشود بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : تمام شد دیگر .**

**آیت الله مددی : ابن ابی جید را توضیح نداد نه ؟**

**یکی از حضار : نه چیزی نگفت ایشان .**

**آیت الله مددی : نگفت به اجازه‌ی فهرست ؟**

**یکی از حضار : خیر**

**آیت الله مددی : البته اخبرنا بجمیع کتبه و روایاته این اجازه است ها ، نجاشی گفت اجازه حق با اوست اما بعد گفت فهرست این کتاب هم از آن تعبیر به اجازه شده هم تعبیر به فهرست شده**

**یکی از حضار : در رجالشان دارند اخبرنا عنه ابن ابی جید بجمیع روایاته در رجال طوسی**

**آیت الله مددی : آن دو تا طریق دیگر را نیاورده فقط ابن ابی جید را آورده است . این بجمیع روایاته مثل فهرست است اگر می‌گفت کتب خودش تالیفاتش بود اما روایات فهرست است .**

**خوب آقا این هم یک مطلب ، این مطلب به نظرم خیلی قابل توجه است که ما در شیعه فرد را در سه محور و این برای ما خیلی آقایان می‌دانند من در تطبیقات خارجی خیلی آثار برایش بار می‌شد یکی در محور روایات گاهی شخص در محور روایات بود در محور رجال یا فهارس اصلا نبود و عرض کردیم تا آنجایی که من دیدم شاید قبل از ایشان هم کسانی بودند چون من ندیدم نمی‌دانم شاید مرحوم سید ابوتراب خوانساری بوده ، مرحوم آقای شیخ محمد تقی تستری این را دارد مثلا یک نفری اسمش در روایات هست حتی در کافی مثلا شیخ متعرض اسمش نبرده در رجال می‌گوید وعدم ذکر الشیخ له فی الرجال غفلةٌ این طوری می‌گوید و عدم ذکر الشیخ له فی الرجال والفهرست مثلا یک نفری هست اسمش را مرحوم نجاشی در فهرست برده شیخ نبرده دقت می‌کنید ؟ در روایات هم ممکن است باشد ، بعد می‌گوید و عدم ذکر الشیخ له فی الرجال والفهرست غفلة این را من ندیدم کسی قبل از ایشان عرض کردم چون نوشتارها و صحبت‌هایی مرحوم آقای سید ابوتراب خوانساری به ما نرسیده می‌گویند ایشان گفته من دو سال یا چند سال نزد سید ابوتراب خوانساری درس خواندم .**

**سید ابوتراب در رجال خیلی کار کرده یعنی واقعا پخته‌ی این کار است خیلی فوق العاده است در این قسمت مرحوم آقای سید ابوتراب خوانساری آیا ایشان گفته ؟ به هر حال فعلا در کتاب قاموس این مطلب آمده که جای دیگر من این را ندیدم عرض کردم بعضی از نکات در قاموس هست که ما اولین بار در اینجا نزد ایشان دیدیم این آقایانی که بعد از ایشان مثل آقای خوئی آمدند آنها هم ندارند شاید دیگران نوشته باشند نمی‌دانم کتاب‌های بعد از ایشان را ندیدم .**

**یکی از حضار : اجازه بدهید این عبارت را هم بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : عبارت چه کسی را ؟**

**یکی از حضار : برای ابن ولید در رجال شیخ**

**آیت الله مددی : بخوانید چون شما می‌خوانید من یک نفس می‌کشم .**

**یکی از حضار : مدخل 6273 باب من لم یروی عن واحد عن الائمه ، جلیل القدر بصیر بالفقه ثقة یروی عن الصفار و السعد روی عنه تلعکبری وذکر انه لقیه لکن وردت علیه ، ذکر انه لقیه شاید اینجا اشتباه تایپی داشته باشد ، لکن وردت علیه اجازته علی ید صاحبه جعفر بن الحسین ال**

**آیت الله مددی : نه ما لقیه**

**یکی از حضار : عرض کردم شاید اینجا اشتباه تایپی شده است .**

**آیت الله مددی : اشتباه نوشته چون این تلعکبری برای بغداد است ابن الولید بغداد نیامده پسرش آمده است . می‌گوید نیامده دقت کردید می‌گوید من ایشان را ندیدم ما لقی گفت شنونده باید عاقل باشد .**

**یکی از حضار : لم یلقه بوده است**

**آیت الله مددی : ها یا لم یلقه بوده است دقت کردید ؟ چون الان توضیحات کافی روشن شد ، اجازاتی که ما شرح می‌دهیم کامل است چون این کار را من الان شروع کردم برای اینکه بعد که در نجاشی می‌رویم خیلی راحت برویم جلو دیگر خیلی معطلتان نکنیم ، می‌گوید ایشان چون در بغداد بوده و ابن الولید بغداد نیامده ایشان هم قم نرفته است .**

**یکی از حضار : یلقه چاپ شده احتمالا لم یلقه بوده است .**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ لم یلقه لکن اجازه‌اش را از قم برایش فرستاده است از او تقاضا کرده اجازه را برای ایشان فرستاده به بغداد .**

**یکی از حضار : بجمیع روایاته بله علی ید صاحبه جعفر بن الحسین بجمیع روایاته ، اخبرنا عنه ابوالحسین ابن ابی جید بجمیع روایاته .**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ یک اجازه هم داشته ایشان برای تلعکبری .**

**مرحوم شیخ قدس الله نفسه تلعکبری را ندیده حالا ممکن است به نظرم متوفای 1185 است اصلا زمان تولد شیخ است تلعکبری ، تلعکبری هم جزو هارون موسی جزو عجایب است روی جمیع اصول اصحابنا ومصنفاته چیز عجیبی است این تلعکبری یکی از عجایب است اصلا در نوع خودش . مرحوم نجاشی با پسرش رفیق بوده است ، محمد بن هارون ابوالحسین محمد بن هارون می‌گوید با این نزد پدرش می‌رفتیم . دقت می‌کنید ؟ با این این ابوالحسین جعفر بن الحسین این که اسمش را برد یک دفعه دیگر اسمش را ببرید ، جعفر بن الحسین این از مشایخ این جعفر بن الحسین المؤمن از علمای قم بوده اواخر قرن چهارم ظاهرا می‌آید بغداد ، این جعفر بن الحسین و مرد ثقه شخصیتی هم هست مرحوم نجاشی دارد و کتابی هم به نام نوادر داشته است ، برای اولین بار فکر می‌کنم حالا به ذهن من رسید چون یک چیزی راجع به اقتصاد خدا رحمت کند مرحوم آقای سید رضا خرسان نوشته در آن اختصاص چاپ نجف که متاسفانه در اختصاص چاپ قم نیامده اصلا مقدمه‌ی ایشان نیامده است خوب مقدمه‌ای نوشته که این اختصاص برای کیست ؟**

**من شاید نمی‌دانم چون من آن را خواندم اما کامل نخواندم در ذهنم هم نیست الان من احتمال دادم ختصاص شیخ مفید همین نوادر جعفر بن الحسین است ، از کتاب‌های گمشده‌ای که آقایان می‌گویند این برای شیخ مفید است این کتاب برای شیخ مفید نیست شیخ مفید از جعفر بن الحسین ، اسمش هم در اول کتاب چند بار آمده جعفر بن الحسین ، جعفر بن الحسین ،**

**یکی از حضار : همین جعفر بن الحسین دنباله‌اش چیست ؟**

**آیت الله مددی : المؤمن القمی ، ایشان قمی بوده بخوانید این ، مرد ملایی هم هست و کتابش هم که و انصافا این نوادر ، نوادر خیلی من الان چون خیلی چند بار این را از اول اختصاص را چند بار از اول تا آخر نگاه کردیم که یک کارش بکنیم ببینیم برای کیست به جایی عقل ما نرسید فعلا یقه‌ی همین آقای قمی را گرفتیم جعفر بن الحسین المؤمن القمی احتمالا شیخ مفید راوی این کتاب است دقت فرمودید ؟**

**و لذا اول اختصاص هم چند بار اسمش هست جعفر بن الحسین ، حالا نجاشی بهتر شرح داده بخوانید عبارت نجاشی را آن وقت معلوم می‌شود که جعفر بن الحسین که از قم آمده اجازه‌ی ابن الولید هم برای تلعکبری بغداد آورده است ، هارون بن موسی تلعکبری . این تلعکبری را هم عرض کردم یکی از بزرگان اصحاب ماست یکی از اجلای اصحاب است .**

**یکی از حضار : در رجال شیخ بحث فهرستی کرد عبارتش را که خواند بحث فهرستی کرد .**

**آیت الله مددی : بله خلاف قاعده گاهی دارد در رجال بحث فهرستی می‌کند این بیشتر در این من لم یروی که اینها فقط ، چون در بحث من لم روی بیشتر می‌گوید روی عن ابی عبدالله یا روی عنه فلان اینجا باب من لم یروی است مثل ترجمه مانند است کسانی که عهد ائمه را درک نکردند اینهایی که درک نکردند بیشتر مولف هستند اینهایی که عهد ائمه را درک نکردند اینها بیشتر شخصیت‌های ، یعنی بیشتر به تراجم می‌خورد تا به رجال ، رجال آنهایی می‌خورد که اصحاب ائمه هستند روشن شد ؟ ابن الولید به رجال نمی‌خورد به این معنا که در ، اما چون روایت نقل کرده ما در رجال می‌آوریم به تراجم بیشتر شبیه است این که ایشان آورده به تراجم بیشتر شبیه است نکته‌ی لطیفی است که اجازه‌اش آمده اما این اجازاتی که ما در بغداد داریم اینها توسط شیخ مفید و ابن غضائری و اینهاست و از طریق پسر است یا از طریق ابن ابی جید است .**

**جعفر بن الحسین المؤمن را هم بیاورید دیگر حالا که آوردید خیلی خارج شدیم .**

**یکی از حضار : مرحوم نجاشی آورده است در مدخل 318 نه معذرت می‌خواهم شماره‌ی 317 جعفر بن الحسین علی بن شهریار ابومحمد المؤمن القمی**

**آیت الله مددی : جعفر بن الحسین المؤمن**

**یکی از حضار : شیخ اصحابنا القمیین ثقة**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است ها شیخ اصحابنا القمیین معلومات ما راجع به ایشان کم است اگر این مطلبی که من گفتم این کتاب زنده شد برای همین ایشان است کتاب الاختصاص ، اختصاصی که الان معروف است ، آقای خوئی هم می‌گوید لم یثبت نسبت الکتاب الی الشیخ المفید راوی کتاب است شیخ مفید ، جعفر بن الحسین معلوم می‌شود اساسا هم ایرانی الاصل است شهریار اسم‌های ایرانی است دیگر جدش شهریار معلوم می‌شود که ایرانی الاصل است .**

**یکی از حضار : انتقل الی الکوفة واقام بها و صنف کتابا فی المزار وفضل الکوفة ومساجدها وله کتاب نوادر**

**آیت الله مددی : و له کتاب نوادر ، این اختصاص خیلی به نوادر می‌خورد . اسمش هم اولش هست جعفر بن الحسین ، جعفر بن الحسین احتمالی که ما دادیم مرحوم شیخ مفید این کتاب نوادر جعفر بن الحسین را از ایشان گرفته است .**

**یکی از حضار : با تعریف نوادر جور درمی‌آید مطالبش ؟**

**آیت الله مددی : بله دیگر متفرقات است ، مثل روضه است بله و خیلی الان مطالبی هست که حتی از نظر رجالی و اینها لطیف است در همین اختصاص است الان فقط اینجا آمده است . شیخ اصحابنا خیلی تعریف عجیبی است شیخ اصحابنا القمیین ، مرد بزرگواری بوده است. بله بغداد که تلعکبری کوفه رفته اجازه‌ی ابن الولید را ایشان آورده است . روشن شد ؟ اما عجیب است شیخ طوسی از این اجازه نقل نمی‌کند نجاشی هم نقل نمی‌کند . اجازه‌ی مرحوم ابن الولید به تلعکبری در بغداد توسط ایشان ملاقاتی بینشان نشده است . کم کم ما هم داریم پنجر می‌شویم خیلی خوب**

**یکی از حضار : پس باید کتب اختصاص را با این دید .**

**آیت الله مددی : آها بله ، باید با این دید نگاه کرد و این خیلی نکته‌ی لطیفی است دیگر حالا ما چون بناست هم در ضمن بحث‌ها و خیلی نکاتی که هنوز مطرح نشده است احتمال قوی هنوز می‌دهم برای ایشان باشد یا یک مقدارش یا همه‌اش کتاب ایشان باشد اگر باشد انصافا مطالب قشنگی دارد . تعریف نجاشی هم از ایشان خیلی بالاست .**

**خوب آقا این تا اینجا این مطلب ، ریشه‌های این نوشتن فهرست ان شاء الله عرض می‌کنیم سابقا هم یک اشاره‌ای کردیم از زمان امیرالمؤمنین شروع شد که بعد ما ان شاء الله می‌خواهیم شروع بکنیم تا اصحاب امام صادق چطور از اصحاب امام صادق کم کم این ریشه‌های فهرست شروع شد و بعد آمد در قم به شکل بحث درآمد یعنی یک بحث فهرستی درآمد .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**